



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



توسعه و سبک نگار (مجموعه) به سرود ملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ شیخ نفت

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پاسخ شیخ نفت
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۶	پاسخ شیخ نفت
۶۷	درباره مرکز

سرشناسه: میردامادی، سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان قراردادی: اسئله قادت شباب الشيعه الى الحق. فارسی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: پاسخ شیخ نفت / نویسنده سید محمود بحر العلوم میردامادی.

مشخصات نشر: اصفهان: بهار قلوب □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۸ ص؛ ۵/۹×۵/۱۹ س م.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۰۲-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر نقدی بر کتاب "اسئله قادت شباب الشيعه الى الحق" اثر سلیمان بن صالح الخراشی است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: خراشی، سلیمان. اسئله قادت شباب الشيعه الى الحق -- نقد و تفسیر

موضوع: شیعه -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع: شیعه -- عقاید -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده: خراشی، سلیمان. اسئله قادت شباب الشيعه الى الحق. شرح

رده بندی کنگره: BP۲۱۲/۵/خ۴الف۵۰۸۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۴۷۶۰

پاسخ شیخ نفت

ص: ۳

نگارنده: سید محمود بحر العلوم میردامادی

زیر نظر: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت ناشر: بهار قلوب

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۰۲-۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش: ۳۷۷۰۵۴۹۳ - ۰۲۵ و ۳۲۲۳۷۳۵۲ - ۰۳۱

ارتباط مستقیم: ۰۹۱۲۷۵۹۴۱۱۷

Mahdavi-Publication.com

Info@Mahdavi-Publication.com

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از دوستان شیفته‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که خدمات فرهنگی خوبی دارد، کتابچه‌ای را به بنده داد که در مکه و مدینه، وهابیان آن را منتشر کرده‌اند.

کتابچه مثل دیگر جزوه‌ها و کتابهای وهابیت پر از آیات قرآن است، و این آیات فقط بر فرق شیعه و به ویژه شیعیان ایران کوبیده می‌شود. انگار شیعه قرآن را تا به حال ندیده است!!!

این نویسندگان با ادعای صداقت، تازه مقلد عمرو عاص کذاب و مکار شده‌اند، در جنگ صفین برای فریب مردم، فقط از «کتاب الله» گفتند و حدیث «عترتی» را با ترویج فرهنگ ترور شخص و شخصیت به فراموشی سپردند.

ص: ۵

حال ما هستیم و یک عده مردمی که می خواهند عمره و یا حج انجام دهند، اینان گاهی اصلاً وقت مطالعه ی یک صفحه کتاب را ندارند، بعضی هم اهل مطالعه اند ولی ممکن است از مهمان نوازی و هیا بیت که هم پولشان را می گیرند و هم فحششان می دهند، گول بخورند که نکند اینها راست می گویند و ...

اینجا مسئولیت به سراغ ما می آید، مدیریت حج و عمره، روحانیت، دولت و دل سوزان جامعه؛ چه باید بکنیم؟

شما در مورد واکسن چه می فرمائید؟ در مورد آنفولانزای خوکی؟ آیا یک صدم این جوش و خروش را برای آنفولانزای عقیدتی دارید؟

آیا جوان شیعه از نظر اعتقادی واکسینه است یا...؟!

ص: ۶

روحانی کاروان باید آمادگی داشته باشد با این نویسنده ی وهابی که قرآن را بر سر نیزه کرده، بحث کند و همه ی زوآر نیز باید از این توطئه های کور، آگاه باشند.

جوانان عزیز! اولاً خودتان باید به فکر باشید، باید گوهر اعتقاد به دین مبین و راه و روش رسول امین صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ی معصومین: را مواظبت کنید.

مواظب باشید! این غلط اندازی ها و مکرها در مباحثات، شما را فریب ندهد.

وهابیت نه فقط با شیعه دشمنی می کند که با اهل سنت هم به خصومت قیام کرده است.

نویسنده ی این کتابچه به جنگ عترت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده است و عصمت، علم و دیگر کمالات اهل بیت: را با بهانه تراشی و مطالب صد در صد عامیانه و بی منطق زیر سؤال برده است، در حالی که اهل سنت به نزول آیه ی تطهیر در شأن اهل

ص: ۷

بیت:، به علم و دانش ائمه: و بزرگی های دیگرشان واقف هستند.

پس وهابیت یک جنگ فرهنگی علیه شیعه ندارد، بلکه آماده ی یک جنگ فرهنگی علیه همه ی مسلمانان می باشد، منتها از شیعه (که فرزندان معنوی و فرهنگی اهل بیت: هستند) شروع کرده است.

به هر حال ما مسئولیم، والله! ما مسئولیم، دنیا طی می شود و ما در «ایست و بازرسی» سؤال از ولایت می مانیم.

این جوابیه ی مختصر را در کربلا نوشته ام، گرمای شدید بالای ۵۵ درجه، تنها و بدون

مآخذ و کتاب، ولی تنها نبودم و نیستم، کتاب هم داشتم، کتاب دل شکسته و قلب آتش گرفته، نزدیک تل زینبیه، هنوز صدای مظلومیت و غربت او به گوش می رسد، که آیا یک مسلمان پیدا نمی شود حسینم را یاری کند؟!

ص:۸

يا بنت امير المؤمنين! ما مانده ايم تا حسين عليه السلام را يارى كنيم، ما مانده ايم تا يار حسين دوازدهم باشيم ان شاء الله تعالى.

كربلاى معلا- شارع سدره

سيد محمود بحر العلوم ميردامادى

شعبان المعظم ١٤٣١ هـ.ق

ص: ٩

بسمه تعالی

آقای شیخ خراشی (۱)،

حال و احوال شما چطور است، از مطالعه ی کتابچه ی شما فهمیدم که حالتان فراوان خوب نیست، زیرا با خوبان جهان آفرینش یعنی اهل بیت عصمت و طهارت: نتوانسته اید موافقت داشته باشید و ولایت آنان را پذیرا باشید.

البته آدم مریض و تب دار، غذای خوش پخت و معطر را نمی تواند حتی استشمام کند. قرآن داستان «فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (۲)

را آورده است و برای این بیماری نشانه هایی را بیان داشته است، یک نشانه این است که بیماران عقیدتی مثل شما از غذای مطبوع معنوی که همان بیان فضائل اهل

بیت: است،

ص: ۱۰

۱- نویسنده ی کتاب انحرافی مذکور.

۲- بقره: ۱۰.

ناراحت می شوند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (۱). یعنی از آنچه در حق اهل بیت و فضائل ایشان نازل شده، کراهت دارند و اظهار نگرانی می کنند، مثل آن شخصی که از خطبه ی غدیر و بزرگی های حضرت امیر علیه السلام ناراحت شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم معترضانه سؤال کرد تا عذاب آمد و آتش بارانش کرد.

و معلوم است «ما أنزل الله» ولایت است، اگر چه صلات و صوم هم از طرف حق نازل شده اما شما و اربابانتان از صلات و صوم نگرانی ندارید، شما نماز تراویح (۲).

را جعل کردید که بگوئید خیلی عابد

و زاهدید، شما از ولایت نگرانی دارید، زیرا

ص: ۱۱

۱- محمد صلی الله علیه و آله وسلم : ۹، رجوع کنید به: تفاسیر روایی نظیر البرهان، الصافی، نورالثقلین.

۲- نافله های شبهای ماه مبارک رمضان که به دستور خلیفه ی دوّم و بر خلاف سنّت صریحه ی نبوی به جماعت خوانده شد و می شود!

ولایت اهل بیت با ولایت یهودی زاده ها و یهودی زده ها یعنی حکومت صهیون، که لوازم تبلیغ شما را علیه اسلام و مسلمین تأمین می کند، نمی سازد. به هر حال ممکن است شما بگوئید من حالم خوب است و تب دار نیستم، چرا به من تهمت می زنید؟

می گویم شما که مریض نیستید، به چه علت در صفحه ی سوّم کتابچه ی خود، اصحاب را محور عمل قرار داده اید؟ (۱) آیا اصحاب از نظر قرآن و سنت قابل پیروی هستند؟ مگر اصحاب در فکر و عمل عصمت دارند، مگر اصحاب با هم سازش داشته و همه در مسیر حق حرکت می کرده اند؟ یا مگر اصحاب دچار وسوسه ی

شیطان و حکومت نفس اماره نبوده اند؟

ص: ۱۲

۱- اشکال مهمتر اینکه: حدیث کتاب الله و عترتی که بزرگان خود شما گفته اند را به چه علت ملاک قرار نداده اید؟

آیا همه ی اصحاب، متقی و صالح بوده اند؟ مثلاً آن که به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم تهمت هذیان گویی زد(۱)

ص: ۱۳

۱- در صحیح بخاری آمده : ابن عباس گوید: هنگامی که بیماری رسول خدا شدت یافت فرمود: صحیفه ای حاضر کنید تا نوشتاری برایتان بنگارم که با وجود آن هرگز گمراه نشوید. عمر گفت: بیماری بر پیامبر غلبه کرده (نمی داند چه می گوید) در حالی که کتاب خدا نزد ماست چه نیازی به نوشته ی اوست؟ این سخن باعث اختلاف و قیل و قال بسیار در محضر رسول خدا شد. پیامبر با لحن تنیدی فرمود: برخیزید بروید از نزد من، منازعه در حضور من روا نیست. ابن عباس در حالی که بیرون می رفت می گفت: مصیبت بزرگ و آغاز همه ی مصیبت های بزرگ آنگاه بود که نگذاشتند پیامبر نوشته را بنویسد. صحیح بخاری، ج ۱: ص ۳۶، کتاب العلم، باب کتابه العلم و ج ۷: ص ۱۵۶، کتاب الطب؛ فتح الباری، ج ۸: ص ۱۰۲؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۲: ص ۲۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۳: ص ۱۲۵۹، کتاب الوصیه، باب ۵، باب ترک الوصیه، حدیث ۲۲؛ صحیح مسلم همراه با شرح نووی، ج ۱۱: ص ۸۹ تا ۹۳؛ مسند احمد حنبل، ج ۱: ص ۲۲۲؛ نهایه ابن اثیر، ج ۵: ص ۲۴۵ چاپ مصر، برخی از این مدارک تصریح می کنند که گوینده این مطلب عمر بوده است)

آن که به جای قرآن دوست می داشت تورات بخواند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم از او خشمگین گردید(۱)،

همو که پای کعب الاحبار(۲)

یهودی را به جامعه ی اسلامی باز کرد و بدین وسیله اخبار اسرائیلی را جانشین اخبار نبوی نمود.

آقای خراشی!

امیدوارم از گفتار و نوشتار من ناراحت نشوید و خراشی به صورت خود وارد نکنید.

عبد الرحمن احمد البکری از علمای معاصر عامه در کتاب من حياه الخلیفه عمر ابن الخطاب می نویسد: «سبط ابن جوزی گوید: رسول خدا اندکی قبل از وفات فرمودند: کاغذ و دوات بیاورید تا نوشته ای برایتان بنویسم که پس از من در آن دچار اختلاف نشوید. عمر گفت: این مرد را رها کنید که بی گمان هدیایان می گوید(دعوا الرجل فانه لیهجر) تذکره الخواص ، ابن جوزی ص ۶۵.

ص: ۱۴

-
- ۱- - تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۸: ص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ طبقات ابن سعد، ج ۲: ص ۴۱؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۱۰: ص ۳۱۳ و ۳۱۴؛
النهایه فی غریب الحدیث، رقم ۲۸۲۵؛ مجمع الزوائد، ج ۱: ص ۱۷۴ (چاپ دوم - قاهره).
۲- - از یهودیانی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اظهار اسلام کرد.

بفرمائید مگر می شود مسلمانان به سنت پیامبر و اصحاب عمل کنند، آخر مگر نمی دانید سنت پیامبر و سنت بعض اصحاب با یکدیگر تضاد و فاصله دارد؟

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، دوستی حضرت زهرا سلام الله علیها را فرمان می دهد و سنت اصحاب مورد نظر شما، دشمنی ایشان را توصیه می کند(۱)،

به اضافه شما که

ص: ۱۵

۱- ۱- عن عایشه ان فاطمه بنت النبی ارسلت الی ابی بکر تسئله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدينه و فدک . . . فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت و عاشت بعد النبی سته اشهر ، فلما توفیت دفنها زوجها علی لیل و لم یؤذن بها ابابکر . . . از عایشه نقل شده است که فاطمه دختر پیامبر کسی را نزد ابوبکر فرستاد که میراث خود از رسول الله را طلب نماید ، ابوبکر از پرداخت چیزی از آن میراث خودداری کرد . پس فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و تا زنده بود با او سخن نگفت... و چون از دنیا رفت شوهرش علی او را شبانه دفن نمود و نگذاشت ابابکر مطلع شود. (صحیح بخاری ج ۵: ص ۸۲) ابن قتیبه دینوری (از علمای برجسته ی عاظمه، متوفای قرن سوم هجری) پس از نقل جریان عیادت صوری خلیفه ی اول از حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از جریان حمله به خانه ی آن حضرت، می نویسد: فاطمه زهرا خطاب به ابوبکر فرمود: واللّٰه لادعونّ الله علیک فی کلّ صلاه اصلیه و لان لقیّت النبی لاشکوّنکما الیه. «به خدا سوگند در هر نمازی که بگذارم به تو نفرین خواهم کرد و آنگاه که پیامبر را ملاقات کنم از شما دو تن نزد او شکوه خواهم کرد» الامامه والسیاسه، ج ۱: ص ۳۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی» (صحیح بخاری، کتاب فضائل اصحاب النبی، باب مناقب قرابه رسول الله و منقبه فاطمه بنت النبی).

این اندازه برای سنت نبوی سینه

چاک هستید، آیا می دانید اصلاً سنتی وجود ندارد که شما بدان عمل کنید. چرا؟

مگر شما احادیث نبوی را آتش نزد دید و مگر منع حدیث نکردید، اگر بفهمید، شما دارید برای سالبه ی بانتفاء موضوع گریه می کنید!

ص: ۱۶

و البته وقتی کم می آورید، جبرانش را با سنت و سیره ی اصحاب می خواهید تحقق ببخشید، آن هم اصحابی که سوره ی بقره را چند ساله

ختم کردند^(۱)

و غسل و وضو و تیمم^(۲)

را یاد نداشتند.

آقای خراشی!

شما در صفحه ی سه از کتابچه ی خود اشاره به آیه ی: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا»^(۳)

کرده اید و نگفته اید مرشد و راهنمای این راه چه کسی است،

ص: ۱۷

۱- ۱- منابع عامه آورده اند که خلیفه ی دوّم سوره ی بقره را طی دوازده سال آموخت! (عبد الرحمن احمد البکری از علمای معاصر عامه در کتاب من حياه الخلیفه عمر ابن الخطاب، به نقل از سیوطی در الدر المنثور ج ۱: ص ۲۱ و ذهبی در تاریخ الاسلام ص ۲۶۷).

۲- ۲- در صحیح بخاری آمده است: مردی نزد خلیفه دوم آمد و پرسید: من جنب شده ام و آبی برای غسل نیافته ام، برای نماز چه کنم؟ او جواب را نمی دانست و عمار یاسر حکم تیمم را به یادآوری کرد. (صحیح بخاری، ج ۱: ص ۸۷).

۳- ۳- انعام: ۱۵۳.

آیا بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مردم می توانند بدون هادی حرکت کنند، یا لطف خداوند برای اقوام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

تعطیل شده است، یعنی دیگر خداوند رثوف بالعباد نمی باشد (نعوذ بالله) یا ریاست اهل سقیفه بر مردم با آن همه سیاهی لطف خداوند است.

آقای خراشی!

آیا مطالعه کرده اید که بسیاری از مفسرین، «اهدنا الصراط المستقیم» را به صراط محمد و آل محمد: تفسیر کرده اند؟! (۱)

ص: ۱۸

۱- - عن ابی بریده فی قول الله: اهدنا الصراط المستقیم، قال: صراط محمد و آله؛ عن ابن عباس فی قول الله تعالی: اهدنا الصراط المستقیم، قال: یقول قولوا معاشر العباد: اهدنا الی حب النبی و اهل بیته؛ عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لعلی بن ابی طالب: انت الطریق الواضح و انت الصراط المستقیم و انت یعسوب المؤمنین؛ عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول الله: ان الله جعل علیاً و زوجته و أبنائه حجج الله علی خلقه و هم أبواب العلم فی امتی من اهتدی بهم هدی الی صراط مستقیم؛ عن ابی جعفر الباقر عن أبیه عن جدّه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: من سره ان یجوز علی الصراط کالریح العاصف و یلج الجنه بغير حساب فلیتولّ و لئیی و وصیی و صاحبی و خلیفتی علی اهلی علی ابن ابی طالب، و من سره (و من اراد "خ") ان یلج النار فلیترک و لایته فوعزه ربی و جلاله انه لباب الله الذی لایؤتی الامنه، و انه الصراط المستقیم و انه الذی یسأل الله عن ولایته یوم القیامه؛ عن ابی عبدالله علیه السلام قال: الصراط الذی قال ابلیس: «لَأَقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف: ۱۶) فهو علی؛ عن حدیفه قال: قال رسول الله: ان تولوا علیاً- و لن تفعلوا- تجدوه هادياً مهدياً یسلک بکم الطریق؛ قال عبد الرحمن بن زید بن اسلم عن ابیه فی قول الله تعالی: «صراط الذین انعمت علیهم» قال: التبی و من معه و علی بن ابی طالب و شیعتہ. حاکم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل» که به تفسیر آیات نازله در شأن اهل بیت اختصاص دارد با نقل این روایات و نظایر آن، منظور از «صراط مستقیم» را منحصر در وجود مقدس پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت معصوم ایشان می داند. قندوزی حنفی در تفسیر آیه ی شریفه ی «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ» (مؤمنون: ۷۴) از اصبح ابن نباته از لسان در افشان امیرالمؤمنین نقل می کند که فرمود: «صراط، اهل بیت هستند». (ینابیع الموده، ج: ۱، ص ۳۳۸ با ذکر چند روایت دیگر با این مضمون). وی همچنین در ذیل آیه شریفه «وَإِنَّكَ لَتِيدُعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مؤمنون: ۷۳) از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: «صراط مستقیم» ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است (ینابیع الموده، ج: ۱، ص ۳۳۹). خطیب خوارزمی در مناقب می نویسد: صراط بر دو قسم است: صراط دنیا و صراط آخرت، منظور از صراط دنیا، علی بن ابی طالب و منظور از صراط آخرت، پل (روی) جهنم است؛ کسی که صراط دنیا را بشناسد می تواند از صراط آخرت بگذرد. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «آن گاه که قیامت بر پا شود و صراط بر جهنم نصب شود، احدی از آن نمی گذارد، مگر کسی که جوازی با عنوان ولایت علی بن ابی طالب به همراه داشته باشد و این همان قول خداوند تعالی است که فرمود: «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ»: آن ها را نگاه دارید که مورد بازخواست و پرسش

هستند». (ینایع الموده، ج ۱: ص ۳۳۸) ابو اسحاق ثعلبی مفسّر معروف عامّه نیز در تفسیر «الکشف و البیان» به نقل از ابوهریره منظور از «صراط مستقیم» را صراط و راه محمّد و آل محمّد: می داند. قندوزی حنفی با نقل چند روایت دیگر به اثبات دلالت صراط مستقیم بر وجود اقدس حضرات معصومین: می پردازد که ذیلا به بعض آنها اشاره می شود: حضرت علی بن الحسین می فرماید: «ما (اهل بیت) ابواب الله و صراط مستقیم و گنجینه ی علم الهی و ترجمان وحی خدا و ارکان توحید و جایگاه سرّ خداوندی می باشیم.» (ینایع الموده، ج ۱: ص ۷۶ و ج ۳: ص ۲۵۹). امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمایند: منظور از صراط مستقیم امام است و منظور از این که خداوند فرموده است: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام: ۱۵۳) راه غیر امام است و ما (اهل بیت) راه خدا هستیم.» (ینایع الموده، ج ۱: ص ۳۲۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! انت حجّه الله و انت باب الله و انت الطریق الی الله و انت النبا العظیم و انت الصّراط المستقیم...».

(ینایع الموده، ج ۳: ص ۴۰۲).

حقاً همین است، شما خوب بود در این نوشته، خوانندگان را به پیمودن این راه مقدس ترغیب می کردید نه اینکه در مقام انکار فضائل اهل بیت: و ضروریات دین بر می آمدید.

به هر حال شما آیه ی شریفه ی: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^(۱)

را چگونه معنا می کنید، روایات ذیل آیه چه

ص: ۲۱

۱-۱ - «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»، رعد: ۷. ترجمه: «تو بیم دهنده ای و هر قومی را راهنمایی است»

می شود؟(۱) با آیات رأفت و رحمت خداوند متعال که اقتضای آن لزوم وجود هادی در هر زمان است، چه می کنید؟

ص: ۲۲

۱- هنگامی که این آیه نازل شد، پیغمبر اکرم دست خود را بر سینه اش نهاد و فرمود: «من ام بيم دهنده!» و با دست به شانه ی امیرالمؤمنین علی زد و فرمود: «یا علی! تویی هادی؛ و به واسطه ی تو ای علی هدایت یافتگان هدایت می شوند.» امیرالمؤمنین درباره ی تفسیر این آیه ی شریفه می فرماید: «پیغمبر اکرم می فرمود: من ام بيم دهنده؛ و هادی (در هر زمان)، مردی از بنی هاشم است.» محمد بن مسلم گوید از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم، فرمود: «كُلُّ امامٍ هادٍ لِكُلِّ قومٍ فی زمانِهِم: هر امامی هادی هر قومی در زمان خودشان می باشد.» (ینابیع الموده، ج: ۱: ص ۲۹۷ به نقل از مناقب) ثعلبی نیز پس از نقل این روایت در تفسیر خود «الکشف و البیان»، ذیل آیه ی شریفه می نویسد: این روایتی است که عده ی بسیاری از مفسرین و محدثین از ابن عباس و محمد بن مسلم نقل کرده اند. امام باقر علیه السلام می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در تفسیر این آیه ی شریفه، فرمود: «أنا المُنذِرُ وَ عَلِيٌّ الهادی، أما وَالله ما زالت فينا إلى الساعه: من ام بيم دهنده و علی است هدایت کننده، به خدا سوگند این (منصب) تا قیامت متعلق به ماست.» (ینابیع الموده: ج ۲: ص ۲۴۶ به نقل از مناقب) حاکم حسکانی حنفی می نویسد: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آب پاکیزه ای طلیید و علی بن ابی طالب نزد او بود. پس طهارت جست؛ سپس دست علی را گرفت و به سینه ی خود چسباند و فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» (یعنی مصداق بيم دهنده، من هستم) و بعد دست علی را به سینه ی خود آن حضرت گذاشت و فرمود: «وَ لِكُلِّ قومٍ هادٍ» (یعنی مصداق هادی امت تویی) ... (شواهد التنزیل، ج: ۱: ص ۳۰۲) این احادیث و امثال آن در دیگر کتب عامه از جمله کتزالعمال، حدیث ۴۴۴۳؛ تفسیر ابن کثیر، ج: ۲: ص ۵۲۰؛ المُستدرک علی الصَّحیحین، ج: ۳: ص ۱۴۰، حدیث ۴۶۴۶ و ۲۴۴؛ الدُّرُ الْمَنثور، ج: ۴: ص ۶۰۸؛ ینابیع الموده، ج: ۱: ص ۹۰ و ۲۹۶ و تعداد بسیاری از دیگر کتب عامه و تعداد بیشماری از تفاسیر و روایات شیعه نقل شده است.

شما اگر خواستید به شهر و دیار غربت وارد شوید مثلاً (صرف نظر از خویشاوندی شما با عربستان سعودی) اگر خواستید برای حج وارد مکه بشوید، آیا به دلیل و راهنما و یا مترجم محتاج نمی باشید؟

انسانی که بناست سفر آسمانی داشته باشد، به معراج الهی دست یابد، بالا برود، تا اوج آسمان معرفت سفر کند، آیا به راهنما و دلیل محتاج نمی باشد؟^(۱)

ص: ۲۴

۱- - به این آیه ی شریفه خوب توجه فرمایید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا لِرَبِّكُمْ وَاتَّقُوا يَوْمَ تُدْعَوْنَ لِلْحَجِّ الْمُبَارَكِ وَاتَّقُوا يَوْمَ تُدْعَوْنَ لِلْحَجِّ الْمُبَارَكِ وَاتَّقُوا يَوْمَ تُدْعَوْنَ لِلْحَجِّ الْمُبَارَكِ وَاتَّقُوا يَوْمَ تُدْعَوْنَ لِلْحَجِّ الْمُبَارَكِ» (حج: ۲۷)، (و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره به مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند). حج هم در سایه ی ولایت حجت خدا معنا پیدا می کند.

شما آیا قبول دارید که قرآن متشابهات دارد؟ (۱) به نظر شما متشابهات قرآن را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کجا

ص: ۲۵

۱- ۲- «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) ... عن ابان بن ابي عياش حدثني سليم بن قيس الهلالي قال: سمعت عليًا يقول: ما نزلت على رسول الله آية من القرآن الا اقرانيها - او املاها علي - فاكتبها بخطي و علمني تأويلها و تفسيرها و ناسخها و منسوخها و محكمها و متشابهها و دعا الله لي ان يعملني فهمها و حفظها، فلم انس منه حرفا واحدا. في حديث طويل اختصرته. عن انس قال: قال النبي صلي الله عليه و آله وسلم على يعلم الناس بعدى من تأويل القرآن ما لا يعلمون. عن علقمه بن قيس قال: قال علي: «سلوني يا اهل الكوفة قبل ان لاتسألوني (كذا) فوالذي نفسي بيده ما نزلت آية الا و انا اعلم بها اين نزلت و في من نزلت، في سهل ام في جبل او في مسير ام في مقام». عن عمير بن بشر الخثعمي قال: قال عمر: على اعلم الناس بما انزل الله على محمّد. (شواهد التنزيل، ج ۱: ص ۳۰ به بعد، فصل ۴، في توحده بمعرفه القرآن و معانيه و تفرد به بالعلم بنزوله و مافيه).

ببریم تا برای ما معلوم گردد، خوب است پیش آنان که حدیث سوزی کردند، ببریم تا از حدیث نفس خودشان برای ما بگویند و ما را آگاه کنند که با برنامه ی از پیش تعیین شده ی اسرائیلی به عاملیت کعب الاحبار ریاست را در دست گرفتند و تا به امروز صهیونیسم را حاکم بر سرنوشت ما کردند.

آقای خراشی!

شما در صفحه ی ۳۵ کتابچه ی خود گفته اید:

مسجد الاقصی در زمان عمر آزاد شد، ولی نگفته اید چرا الان این کار به دست سعودیها و دیگر دوستانشان انجام نمی گیرد.

چرا در این زمان به وسیله ی وهابیت دست اسرائیل از فلسطین قطع نمی گردد؟ مگر شما پیرو عمر و سینه چاک صلاح ایوبی نیستید؟

ص: ۲۶

و مگر اسرائیل خائن و خیانتکار نیست؟ در ضمن اگر خلیفه این همه شجاعت داشت و سرداری بنام بود چرا در احد، خندق و خیبر، آنگونه که بزرگانتان نوشته اند ظاهر شد؟(۱)

شاید او بعد از اینکه با کعب الاحبار یهودی رفیق صمیمی شده بود، شجاعت به او تزریق گردید، آخر مگر شجاعت تزریقی است؟!

در صفحه ی ۴ کتابچه، آیه ی: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ»(۲) را عنوان کرده اید، خوب این آیه اگر ملاک کار باشد، وقتی رجوع به سنت صحیحه می کنید (یعنی آنچه از

ص: ۲۷

-
- ۱- - متقی هندی در کنز العمال: : ج ۸: ص ۳۷۱، و ج ۱۰: ص ۴۲۴؛ المستدرک علی الصحیحین: ج ۳: ص ۱۱۱.
- ۲- - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ ...» (نساء: ۵۹).

سنت صحیحہ در اثر لطف خداوند متعال و مجاہدہ ی عترت: باقی مانده است) دادگاہ بہ نفع دوستان اہل بیت: شہادت می دہد، آیا شما می توانید غدیر خم و آن خطبہ ی نورانی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را منکر شوید؟(۱)

ص: ۲۸

۱- - امیرالمؤمنین علیہ السلام می فرماید: «پس از آن کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم دست مرا گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه...»، سلمان پرسید: یا رسول اللہ! این ولایت چگونہ ولایتی است؟ فرمود: ولایت او همچون ولایت من است؛ ہر کہ من سزاوارتر از خودش بر او ہستم، علی ہم نسبت بہ او این چنین است. در این ہنگام آیہ ی «الیوم اکملت لکم دینکم...» نازل شد. آن گاہ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «اللہ اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگارم بہ رسالت من و ولایت علی پس از من! عدہ ای گفتند: یا رسول اللہ! این آیات فقط مخصوص بہ علی علیہ السلام است؟ فرمود: آری، در مورد او و اوصیای من تا روز قیامت می باشد. گفتند: آن ہا را بہ ما معرفی کن. فرمود: علی، برادر و وارث و وصی من و ولی ہر مؤمن پس از من است، سپس فرزندان حسن، سپس فرزندان حسین و پس از او نہ (امام) از فرزندان حسین؛ قرآن با ایشان و ایشان با قرآنند؛ نہ قرآن و نہ ایشان از یکدیگر جدا نمی شوند تا این کہ بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند...». (ینابیع المودہ، ج ۱: ص ۳۴۳ و ۳۴۷) ابوہریرہ گوید: ہر کس روز ۱۸ ذی الحجہ را روزہ بدارد، خداوند ثواب روزہ ی شصت ماہ در نامہ ی اعمال او بنویسد و این روز، روز غدیر خم است کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم دست علی بن ابی طالب ۸ را گرفت و گفت: بہ بہ! مبارک باد بر تو یا پسر ابی طالب! ابی سعید خدری گوید: چون این آیہ نازل شد، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «اللہ اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار بہ رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من! ہر کہ من سرپرست و صاحب اختیار او بودم، علی علیہ السلام ولی و صاحب اختیار اوست. خداوند! دوست بدار ہر کہ او را دوست بدارد و دشمن بدار ہر آن کہ او را دشمن بدارد و یاری کن ہر کہ او را یاری کند و واگذار ہر کس او را واگذارد.» (الدرر المنثور، ج ۲: ص ۲۵۹؛ مناقب خوارزمی، ص ۶؛ شواہد التنزیل، ج ۱: ص ۲۰۰ بہ بعد؛ تاریخ مدینہ ی دمشق، ج ۴۲: ص ۲۳۳).

۱- - حدیث منزلت: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: انت منى بمنزله هارون من موسى الا انه لا نبى بعدى (جوامع روایی عامه) حدیث ثقلین: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ائتى تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل و عترتى كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الأرض و عترتى اهل بيتى و ان اللطيف الخبير اخبرنى انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا بم تخلفونى فيهما. (مسند احمد، ج ۳: ص ۱۸، و ج ۲: ص ۱۷؛ كنز العمال، متقى هندی، حدیث ۹۴۴ و احادیث بعد از آن) عن زيد ابن ارقم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوما خطيباً فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: الا ايها الناس فانما انا بشر يوشك ان يأتى رسول ربي فاجيب و انا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله فيه الهدى و النور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به فحث على كتاب الله و رغب فيه ثم قال: و اهل بيتى اذ كرم الله فى اهل بيتى اذ كرم الله فى اهل بيتى اذ كرم الله فى اهل بيتى. (صحيح مسلم، طبع سعودى، كتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل على بن ابى طالب / سنن الدارمى، دارالكتب العربى، ج ۲: ص ۵۲۴، ح ۳۳۱۶) قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:.... فانظروا كيف تخلفونى فى الثقلين؟ قالوا و ما الثقلان، يا رسول الله؟! قال: كتاب الله طرفه بيد الله و طرفه بايديكم فاستمسكوا به و لاتضلوا و الآخر عترتى و ان اللطيف الخبير نبأنى انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فسألت ذلك لهما ربي فلا- تقدموهما فتهلكوا و لا تقصروا عنهما فتهلكوا و لا تلوهم فانهم اعلم منكم من كنت اولى به من نفسه فعلى وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. (كنز العمال، متقى هندی، حدیث ۹۵۷). حدیث كساء: قالت عايشه: خرج النبى صلى الله عليه وآله وسلم غداه و عليه مرط مرخل من شعر اسود فجاء الحسن بن على فادخله ثم جاء الحسين عليه السلام فدخل معه ثم جاءت فاطمه سلام الله عليها فادخلها ثم جاء على عليه السلام فادخله، ثم قال: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت وى يطهركم تطهيرا» (صحيح مسلم، كتاب فضائل الصحابه، باب فضائل اهل بيت النبى؛ السنن الكبرى، بيهقى، حدیث ۲۸۵۸) عن ام سلمه قالت: فى بيتى نزلت: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت»، قالت فارسل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الى على و فاطمه و الحسن و الحسين: فقال: «هؤلاء اهل بيتى». حاكم نيشابورى پس از نقل اين روايت از بخارى انتقاد کرده و مى گويد: «هذا حديث صحيح على شرط البخارى و لم يخرجه». (المستدرک على الصحيحين، كتاب معرفه الصحابه، حدیث ۴۷۵۹ به بعد) عن ابى سعيد الخدرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: نزلت هذه الآيه فى خمسة: فى و فى على و الحسن و الحسين و فاطمه: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا». عن انس ان النبى صلى الله عليه وآله وسلم كان يمرّ ببيت فاطمه سلام الله عليها سته اشهر كلما خرج الى الصلاه فيقول الصلاه: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا». (تفسير جامع البيان، طبرى، ذيل آيه ي شريفه، حدیث ۲۱۷۲۷ به بعد) اخرج الطبرانى عن ام سلمه رضى الله عنها: ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال لفاطمه رضى الله عنها، ائتنى بزوجهك و ابنه فجاءت بهم فالتقى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليهم كساء فدكيا ثم وضع يده عليهم ثم قال: اللهم ان هؤلاء اهل محمد صلى الله عليه وآله وسلم - و فى لفظ آل محمد - فاجعل صلواتك و بركاتك على آل محمد: كما جعلتها على آل ابراهيم انك حميد مجيد قالت ام سلمه رضى الله عنها: فرفعت الكساء لادخل معهم فجذبته من يدي و قال: انك على خير. (تفسير الدر المنثور، سيوطى، ذيل آيه ي شريفه، به ضميمه ي چند روايت ديگر) سيوطى با نقل روايتى از ام سلمه مى نويسد: «پس از دعای رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم برای اهل بيت در زیر کساء،

من گوشه ی عبا را بلند نمودم تا در کنار آنان بنشینم، اما پیغمبر عبا را از دست من بیرون آورد و فرمود تو بر خیر هستی. آیه ی تبلیغ: مائده: ۶۷. اخطب خوارزم در مناقب: صفحه ی ۶ می نویسد: ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود: «هنگامی که به آسمان رفتم، از زیر عرش الهی ندایی شنیدم که: علی، پرچم هدایت و حبیب و دوست هر آن کسی است که به من ایمان آورد. ای محمّد! این مطلب را (به مردم) برسان. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به زمین آمد، این مطلب را در سینه نگاه داشت، پس فرمان الهی آمد که: ای رسول! آنچه را در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام بر تو نازل شده بیان کن، و اگر چنین نکنی رسالت الهی را نرسانده ای و خداوند تو را از (آزار) مردم حفظ خواهد کرد». (شواهد التّنزیل، ذیل آیه ی شریفه) از دیگر مدارک عامّه می توان به: اسباب النزول: صفحه ی ۱۳۵؛ الدر المنثور، ج ۲: ص ۲۹۸؛ تفسیر رازی، ذیل آیه ی شریفه، و ... بسیاری دیگر از کتب فریقین اشاره نمود.

شما که در سراسر کتابچه ی خود از کتب فراوانی نام برده و بدون داشتن تخصص در حدیث شناسی و سندشناسی به بافندگی مطالب پرداخته اید، خوب بود به احادیث ساختگی و جعلی عاملین اسرائیل در کتب مخالف سری می زدید، تا از خجالت با همان تازیانه ای که عمر، ابوهریره را به خاطر نه دروغ گفتن، بلکه به خاطر زیاد دروغ گفتن، زد، او را می زدید.

شما در صفحه ی ۳۴ کتابچه ی خود گفته اید: «حدیث کساء شامل حال چهار نفر از خانواده ی علی می شود که تطهیر شامل حال آنها می گردد. پس دلیل شامل کردن دیگران در تطهیر و عصمت چیست؟»^(۱)

اولاً، مگر شما این چهار تن را معصوم و طاهر از گناه می دانید که از عصمت بقیه الله سؤال می کنید؟

ص: ۳۴

۱- - باید بگویید سه تن، حضرت زهرا و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین: ولی پول عربستان و بی سواد، عاقبت خودش را نشان می دهد!

شما که در صفحه ی ۲۹ از کتابچه ی خود مقام علی علیه السلام را از ابابکر پائین تر آورده اید و جهاد علی علیه السلام و ایثار آن جناب را، با مکر شیطانی، منکر شده اید. دیگر چرا دنبال عصمت بقیه ی عترت می گردید «وَمَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ ...» (۱)

آقای خراشی!

ای کاش شما سواد این مطلب را داشتید که وقتی عصمت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام با آیه ی تطهیر به اثبات رسید، آن وقت باید گوش به فرمان آنان باشیم

در مورد تأیید عصمت و امامت امام بعدی.

به اضافه مگر در عصمت اهل بیت: فقط آیه ی تطهیر وجود دارد؟ آقای خراشی لابد به غیر از بقره،

ص: ۳۵

سور دیگر قرآن را حفظ کرده است، آیه ی شریفه ی «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^(۱) در قرآن چه معنا می دهد؟

خوب است پای درس فخر رازی، بزرگترین مفسر اهل سنت بنشینید تا از صادقین برایتان بگوید.^(۲)

آقای خراشی!

ص: ۳۶

۱- - توبه: ۱۱۹.

۲- - رازی مفسر معروف عامه می نویسد: «کسی که جایز الخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را «صادقین» نامیده است؛ لذا این آیه دلالت بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان شوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و الا این دستور، تکلیف به مالایطاق است.» (تفسیر رازی، ج ۱۶: ص ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، ج ۱: ص ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷؛ تاریخ مدینه ی دمشق، ترجمه ی علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۴۲: ص ۳۶۱؛ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳؛ فتح القدیر شوکانی، ج ۲: ص ۵۰۲؛ الصواعق المحرقة ابن حجر: ص ۳۱۶؛ روح المعانی آلوسی، ج ۱۱: ص ۴۰ و... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود معصومین: اذعان نموده اند.

آیا الزام با صادقین بودن، لازمه اش این نیست که در هر زمان باید صادقی وجود داشته باشد؟

آیا صادق بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم چه کسی بوده است؟

وَهَئِئِتِ ظَاهِرًا سَنِي هَمْ نِيَسْتِ كِه بَكُوْنِيْمْ بِه كَتَبِ خُوْدَتَانِ نِگَاهِ كَنِيد. بِيْنِيْد صَادِقْ بَعْدِ اَزِ پِيَامْبِرِ اِسْلَامِ صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كِدَامِيْنِ اِنْسَانِ اَسْتِ، «رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ» (۱) كِيَسْتِ؟ اَنْ كِه مِي گُوِيْد مَن اَزِ پِيَامْبِرِ خُدا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پِيْرُوِي مِي كَرْدَمْ وَ اُو رَا دَنْبَالِ مِي نَمُوْدَمْ مَانَنْدِ بِيْجِه

ص: ۳۷

۱-۱ - «ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا» زمر: ۲۹، يَكْ اِنْسَانِ كِه چَنْدِ اَرِيَابِ دَارْدِ، چَنْدِ حَزْبِ وَ گِرُوِه، فَرْمَانْدِه ي اُو هَسْتَنْدِ وَ مَتَحَيِّرْ مَانَنْدِه، بَا مَرْدِي اَسْتَوَارِ وَ صَاْحِبِ اِرَادِه ي قُوِي كِه تَسْلِيْمِ مَرْدِي (بِرْتَرِ اَزِ خُوْدِ) اَسْتِ، اَيَا بَرَابَرَنْدِ؟! حَاكِمِ حَسْكَانِي حَنْفِي دَرِ شَوَاهِدِ التَّنْزِيلِ ذِيْلِ اِيْنِ آيَه ي شَرِيْفَه حَدِيْثِ اَوْرْدِه كِه: «عَلِيٌّ مَرْتَضِي فَرْمُوْد: مَن اَنْ مَرْدِي هَسْتَمْ كِه تَسْلِيْمِ رَسُوْلِ خُدا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بُوْد.» شَوَاهِدِ التَّنْزِيلِ، ج ۲: ص ۱۱۹.

شتر دنبال مادرش کیست؟ (۱)

آن که با پیامبر مصداق آیه ی شریفه ی «وَ اجْتُنِبْنِی وَ بَنِیَّ اَنْ نَّعْبَدَ الْاَصْنَامَ» (۲)

است، کیست؟

علی علیه السلام در دیدگاه اهل سنت، غیر از آن کسی است که وهابیت معرفی می کند، یعنی وهابیت نه شیعه است و نه سنتی بلکه مثنی است، به عبارت و تعبیر واضح تر اینان طایفه ای مریض و مبتلا به عقده های لاینحل هستند که رفاهشان در گرو خشونت در گفتار و عمل است.

طبق آیه ی شریفه ی «کونوا مع الصادقین» آقای خراشی بگوید صادق این دوره و زمان چه کسی می باشد؟

آقای خراشی آیا می تواند عبارت «کونوا» را از قرآن حذف بکند، آیا امر «با صادقین باشید» برای مردم این زمان هم هست یا نه؟ اگر نیست، پس آیه

ص: ۳۸

۱- - نهج البلاغه، خطبه ی قاصعه.

۲- - ابراهیم: ۳۵، شواهد التنزیل، ج ۱: ص ۴۱۲.

چه می شود و اگر هست، صادق در این زمان آیا پادشاه سعودی است یا حُسنی نامبارک؟!

آقای خراشی!

در کتابچه ی خودتان اصول را با فروع عمداً خلط کرده اید. امامت ائمه ی اثنی عشر چه ربطی به ازدواج ام کلثوم دارد؟
شاخه به شاخه شدن و بافندگی مطالب، کار شما و اربابانتان می باشد. البته حق با شماست چرا که آدم بدبخت و غریق به هر
علف هرزه ای متوسل می شود.

ازدواج ام کلثوم و دیگر شبهات بچه گانه و به تعبیر دیگر سست و واهی شما جواب داده شده است،[\(۱\)](#)

ولی بنده می گویم این مطلب چه ربطی به اصول دین و مسائل مربوط به آن دارد؟

ص: ۳۹

۱- - کتاب فاطمه الزهراء سلام الله علیها بهجه قلب المصطفی، از علامه رحمانی همدانی رحمه الله.

وقتی شما نمی توانید خطبه ی غدیر را ببینید، فریادهای علی علیه السلام علیه سقیفه نشینان را خاموش کنید، شقشقیه را از کتابخانه ها

جدا کنید، فدکیه ی حضرت زهرا سلام الله علیها را مثل احادیث پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بسوزانید و مثل فدک بدزدید، آن وقت جاده خاکی زده و به کوچه پس کوچه ها پناه می آورید که مثلاً متعه آیا حلال است یا حرام و کلی وقت مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) را می گیرید که دیگر وقت بررسی خطبه ی غدیر و آیات مربوط به آن و یا بررسی حیات فاطمه ی زهرا سلام الله علیها که محور عقیدتی مسلمین است، برای کسی باقی نماند.

بنده در این نوشته که در جوار ملکوتی سید شهیدان و آقای آزادگان عالم فراهم شده به مسلمین می گویم، هشدار! هشدار! هشدار! که اصول را فدای فروع نکنید و وقت گرانبها و عمر با ارزشتان را بر سر مسائل جزئی هدر ندهید.

ص: ۴۰

مسئله ی ازدواج ام کلثوم، در صورت اثبات، آیا قدرت دارد، بزرگی حدیث منزلت، کساء و ثقلین را بشکند؟

این مسئله آیا توان مقابله با آیه ی «إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ...» (۱) را دارد؟

را دارد؟

ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با عایشه و حفصه، چه چیزی را ثابت می کند؟ مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم حکیم و مدیر و مدبّر نبوده اند؟ وقتی کاری از طرف عقل کل و هادی سبیل سر می زند، محتاج دلیل تراشی نمی باشد.

حال شما می توانید بگوئید چون عایشه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم است پس معصومه است، عجیب است!!! آقا خراشی و همکارانش عصمت عترت را

ص: ۴۱

۱- - «إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)، اکثر تفاسیر عامّه ذیل آیه شریفه.

زیر سؤال می برند ولی برای

عایشه یک نوع مصونیت از ظلم و ستم قائل هستند. چرا؟ چون عایشه زن پیامبر خدا است. مگر حضرت زهرا دختر پیامبر خدا نبوده است؟ خوب زن لوط چه می شود، زن نوح چه می شود؟ آیا اینها هم چون همسران دو پیامبر بوده اند، پرونده ی ایمانی و توحیدی دارند؟ پسر نوح چه می شود؟ آیا او از اهل نوح است؟

در مورد ازدواج ام کلثوم، حالا چه چیزی درست می شود؟ یعنی سقیفه درست می شود؟! یعنی مخالفت با غدیر خم و تهدید به احراق و وقوع احراق بی رنگ می شود؟! (۱)

یعنی مطاعن، مبدل به فضائل می گردد؟ یعنی عمر سزاوار خلافت محسوب می گردد؟!

آیا آسیه همسر فرعون نبوده است؟ آیا آسیه مؤمنه نبوده است؟ آیا فرعون مؤمن بوده است؟ چه می گویم!

ص: ۴۲

۱- - آتش به خانه ی وحی (اثبات هجوم و آتش زدن بیت ولایت از منابع عامه).

بروید یک فکری به حال اصولتان بکنید. تا کی جعل و افتراء؟ تا کی دروغ و پرونده سازی، تا کی حق کشی و مکر و شیطنت؟ تا کی شبهه اندازی و از اصل فرار کردن و - به دروغ - به فروع چسبیدن؟

شیعیان و حتی اهل سنت آزاده، می دانند که این دروغهای شاخدار شما و این بی ادبی ها، دستور آن کسانی است که گفته اند: «تفرقه بینداز و حکومت کن»، بیچاره تر از شما چه کسی است؟ شما برای صحیح جلوه دادن حکومت گذشتگان بین مسلمانان با بهانه های واهی تفرقه انداخته، استعمارگران را یاری می دهید.

اشکال اساسی کار شما، غیر از این اشکال سیاسی، این است که شما با اینکه لا إله إلا الله می گوید و مدّ «ولا الضالین» را تا طول تراویح می کشید، ملحدانه و ماتریالیست وار فکر می کنید،

منکر کرامت اولیاء، حیات شهداء، توسل، شفاعت و دیگر امور معنوی هستید.

آقای خراشی نام یک کتاب را می برد که مؤلفش مثلاً سنی شده است، خوب آیا این دلیل حقیقت چه چیزی می شود؟ ما هم کتابهای فراوانی از ره یافتگان و مستبصرین (آنهايي که شیعه شده اند) داریم که اگر بخواهیم نام ببریم از اصل مطلب باز می مانیم، ثم اهدیت، الخدعه، لاکون مع الصادقین و صدها کتاب ارزشمند دیگر از این نمونه. فقط چیزی که می

توانیم بگوئیم این است که: ای اهل تحقیق! ای دانش پژوهان! این کتاب ها را دقیقاً بخوانید، بینید حق با کیست و حقیقت کجاست؟

مگر ما وکیل مدافع کسی هستیم و مگر گذشتگان وکیل مسلمین امروز بودند که برای بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم وصی تعیین کردند؟! مسلمین

ص: ۴۴

همانطور که امر به نماز، روزه، زکات و حج را از پیامبر خدا قبول نمودند، امر به وصایت و امامت بعد از او را هم با ارشاد قرآن و روایت صحیحہ قبول دارند و محتاج وکیل مدافع نیستند.

آقای خراشی ضمن سؤال کردن، عقیده ی خودش را به خواننده تحمیل می کند مثلاً می گوید:

چرا اسم بعضی از فرزندان اهل بیت، اسامی فلان و فلان است؟ بعد نتیجه می گیرد که ائمه با فلان و

فلان هیچ نوع برخوردی نداشته و اصلاً اصحاب با اهل بیت: رفیق بودند و خلاصه اهل بیت با رضایت، خلافت را تقدیم آنان کردند.

این آقا اصل مطلب را عمداً گم کرده، دنبال شاخه و برگ ها می رود. اولاً ما بر سر اسم گذاری نباید بمانیم و تحقیق متون و مدارک اصلی قضیه ی خلافت و امامت را رها کنیم، ما باید آیات مربوطه به امامت را بررسی کنیم، امامت ابراهیم، وصایت

هارون، اوصیاء انبیاء، انتخاب نبی، انتخاب وصی، غدیر خم و آیات مربوطه، تطهیر ائمه و آیات مربوطه، علم ائمه و آیات مربوطه، به توجّه به عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها در آیه ی تطهیر، امام حضرت زهرا چه کسی بود؟ موت جاهلیت چیست؟ چه چیزی ما را از موت جاهلیت نجات می دهد؟ صادقین در

قرآن کیانند؟ امروز، صادق واقعی کیست؟

و خلاصه آیا قرآن امروز بدون عترت باقی است و از عترت جدا شده است، و یا با عترت است که اقتضاء «لن یفترقا» می باشد؟ و خلاصه با ادله، برسیم به اینکه یادگار و وارث عترت، امروز در کنار قرآن و تالی واقعی قرآن چه کسی می تواند باشد؟

در مورد رضایت ائمه به غضب خلافت، آقای خراشی پاسخ دهد که آیا ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را حکیم و معصوم می داند یا مثل دیگر هم کیشان خود به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم جسارت و بی ادبی روا داشته (نعوذ

بالله) او را از جاده ی عقل و شرع خارج معرفی می کند؟

آیا صلح حدیبیه در تاریخ اسلام وجود داشته یا نه؟ آیا صلح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم با کفار و مشرکین، حقیقت آنان را ثابت می کند؟ آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم (العیاذ بالله)

ترسو و یا در عقیده سست بوده اند؟ و آیا های دیگر؟

مضمون سخن آقای خراشی این است که چون علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم شمشیر به دست نگرفت و جنگ داخلی راه نیانداخت، پس موافق و راضی به خلافت این و آن بوده است.

نویسنده مثل اینکه طرفدار جنگ داخلی است و الان هم با نوشتن امثال این کتابها آب به آسیاب دشمنان مشترک مسلمانان می ریزد.

ص: ۴۷

پاسخ شما را آیه ی شریفه ی مباحله (۱) داده است، علی علیه السلام نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است از نظر صاحب

ص: ۴۸

۱- - «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»، آل عمران: ۶۱. شعبی به نقل از جابر می گوید: منظور از «ابنائنا» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از «نسانا» فاطمه سلام الله علیها و مصداق «انفسنا» علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند. عامر بن سعد به نقل از پدرش گوید: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، علی و فاطمه و حسن و حسین: را فراخواند و عرضه داشت: «بار خدایا! این ها اهل من هستند». این روایت و نظایر آن را صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»، حدیث ۳۲؛ شواهد التنزیل، ج ۱: ص ۱۲۰، با ذکر ۹ روایت؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفه الصحابه، باب «من مناقب اهل بیت رسول الله»: با ذکر ۷ روایت؛ الدر المنثور، ذیل آیه ی شریفه، به عبارات و طرق مختلفه از بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابونعیم، حاکم نیشابوری، ابن جریر، ابن مردویه، عبد الرزاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی، تفسیر طبری، ذیل آیه ی شریفه؛ تفسیر کشاف زمخشری، ذیل آیه ی شریفه؛ جامع ترمذی، حدیث ۳۷۲۴؛ کفایه الطالب گنجی، الباب الثانی و الثلاثون فی قوله عزوجل فی آیه المباحله؛ مناقب ابن مغزلی حدیث ۳۶۲؛ تفسیر رازی، ذیل آیه ی شریفه؛ و... نقل نموده اند. رازی، مفسر معروف و متعصب عامه، ذیل این آیه ی شریفه می نویسد: «بدان که گویا این روایت در میان همه ی اهل تفسیر و حدیث: صحیح شمرده شده است.»

اختیار بودن و ولایت و دانایی و حکمت همانطور که صلح حدیبیه از روی حکمت و به سود جامعه ی اسلامی بود (و بعضی از نادانان آن را

درک نمی کردند)^(۱) جنگ نکردن علی علیه السلام هم بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم از روی حکمت و به سود جامعه ی اسلامی بود (و شما آن را درک نمی کنید).

نسبت به صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام افرادی که متفکر و آشنای با سیاست الهیه

ص: ۴۹

۱- صحیح بخاری ج ۴: ص ۷۰.

هستند، اشکالی نمی‌تواند بیابند و به خصوص شیعیان که امام را حجت الهی و بصیر و مدبر در کارها می‌دانند، کار صلح و قیام، غیبت و ظهور را اراده‌ی حق تعالی دانسته که به دست امام اجرا و عملی می‌گردد.

آقای خراشی!

این بهانه تراشیها از چیست؟ این اشکالهای بچه‌گانه و این کشفیات کودکانه از کجا ناشی می‌شود؟ شما که خود حقیقت را می‌دانید، چرا آشکارش

نمی‌کنید؟ روزی می‌رسد که درهم و دینارها و دلارها کارساز نیست، فقط قلب سلیم می‌خواهند، آیا به فکر آن بوده‌اید؟

خوانندگان کتابچه‌ی شما اگر شیعیانند که بطلان مطالب شما را می‌دانند، چون می‌دانید اعتقادات در تشیع بر اساس تحقیق بنا نهاده شده است بر خلاف اعتقادات مریدان سقیفه که تقلید از کعب الاحبار و ابوهریره‌ها است. یک نفر شیعه که امام را

معصوم

ص: ۵۰

می‌داند و بر این عقیده، ادله‌ی عقلیه و نقلیه (قرآنی و روایی) دارد، کجا به امام حسن علیه السلام در مورد صلح، و به امام حسین علیه السلام در مورد قیام، و به امام زمان حضرت مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد غیبت، اشکال می‌کند؟

و اگر خواننده‌ی کتاب شما سنی و غیر آن باشد، حساسیت پیدا کرده که این تشیع با

این معرفی سست و بی پایه (که شما برای آن نموده اید)، چگونه قرن‌هاست روی پای خود ایستاده و روز به روز شکفته تر می‌شود، در نتیجه بیشتر مطالعه می‌کند، بهتر تحقیق می‌کند و عاقبت کتاب (آنگاه هدایت شدم) (۱) را و یا کتاب (فریب) (۲)

را می‌نویسد و هزاران نفر را به مکتب اهل بیت: جذب می‌نماید.

آقای خراشی!

ص: ۵۱

۱- - دکتر تیجانی.

۲- - صالح الوردانی.

چرا بهانه تراشی؟! آخر آدم محقق اگر خواست مطلب علمی و تحقیقی بنویسد، باید مثل علامه میر حامد حسین ۱، صاحب عبقات الانوار یا مثل علامه امینی ۱، صاحب الغدیر یا مثل علامه سید شرف الدین ۱، صاحب المراجعات یا مثل علامه سلطان الواعظین شیرازی ۱، صاحب شبهای پیشاور عمل

کند، یعنی یک مسئله را با وقت موسع و با دقت علمی و با ارائه ی منابع مختلف و ادله ی متقن عقلی و نقلی بررسی نماید، نه اینکه مثل شما هوچی گری کند که مثلاً پیشوایان شیعه با که وصلت کرده یا اسم فرزندشان را چه گذاشته اند.

آقای خراشی!

در مورد یهود و نصاری در صفحه ی ۱۰۲ کتابچه آورده اید: تاریخ به ما می گوید که شیعه همواره یاور دشمنان اسلام از قبیل یهودیان و نصاری و مشرکین بوده اند.

آقای خراشی!

ص: ۵۲

بنده علت این تهمت را خط گم کردن توسط شما می دانم، پاورقی کتاب شما مدرکی را برای این مطلب ارائه نکرده است، فکر می کنم که شاید به شما وحی شده و شما از طریق وحی و الهام بهره گرفته،

چنین مطلب مهمی را مدعی شده اید، قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ» (۱)

به هر حال بابت اینکه شیطان یاور شماست و به شما وحی می کند، باید از او متشکر باشید، اوست که از اول کتابچه با شما بوده و همواره با شما همکاری کرده است، اوست که شما را به لجاجت و دشمنی با اهل بیت: واداشته به طوری که از چشم همه شیعیان و مسلمانان ساقط شوید و همه به شما به عنوان یک اجیر استعمار نگاه کنند.

ص: ۵۳

یادتان هست که اوّل این نوشته نقل کردم که عمر

تورات می خوانده و با این عمل، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم را به خشم آورده است.

وجود کعب الاحبار یهودی در دستگاه خلافت چه مفهومی داشته است؟

وجود قصّه گویان و داستان پردازان یهودی در ایام خلفای ثلاثه به چه مفهومی می باشد؟

این آقایان شجاع که به قول شما فاتح ایران و ... بودند، چرا در خیبر پرچم را انداخته و فرار را بر قرار ترجیح دادند؟ آیا فکر

نمی کنید علاوه بر ترس اینها با طرف مقابل، یعنی یهود خیبر، مخفیانه معاهده و پیمان داشتند و نمی خواستند قدمی علیه

صهیونیسم آن روز بردارند؟ آیا فکر نمی کنید یک جرم

نابخشودنی علی علیه السلام به نظر مخالفین این بوده که با یهود جنگید و خبیر را فتح کرد؟

آیا این احقاد و کینه های بدریّه و خبیریّه نبود که علی علیه السلام را خانه نشین نمود و عاقبت به شهادت رسانید؟

آیا آقای خراشی می داند که بنابر منابع عامّه (۱)

عمر در مورد اینکه بعد از خودش علی علیه السلام را برای خلافت برگزینند با کعب الاحبار مشورت کرد و کعب الاحبار یهودی او را از این عمل بازداشت؟

البته ما نمی توانیم حسن نیتی برای کار او در نظر بگیریم ولی به هر حال این مطالب در تاریخ آمده است که ما مدرک آن را (بر خلاف حرفهای بی مدرک خراشی) در پاورقی می آوریم.

آقای خراشی!

ص: ۵۵

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲: ص ۸۱؛ البدایه و النهایه، ج ۸: ص ۱۰۶-۱۲۰۶.

امروز کدام کشور با یهود به طور مخفی و گاه علنی طرح دوستی دارد؟ آیا وهابیت که این همه لعن و نفرین را نثار شیعه می کنند، تا حال یک کلمه علیه اسرائیل و صهیونیست ها مطلب گفته یا نوشته است؟
آقای خراشی!

کتاب «آل سعود، من این و اِلی این»^(۱) (از کجا و به سوی کجا؟!) را حتماً بخوانید تا بدانید ریشه ی وهابیت کجا است، آری! وهابیت از یهود سرچشمه می گیرد حقیقت تلخی که باید همه بدانند.

حتم می دانم جرم بزرگ یا یکی از بزرگترین جرمهای شیعیان ایران، نزد وهابیت، شعار «مرگ بر اسرائیل» است، شعاری که با شعور همراه بوده و نشان دهنده ی جهاد شیعه با ستمگران و استعمارگران است.

آقای خراشی!

ص: ۵۶

وقتی صفحه ی ۱۰۳ کتابچه ی شما را مطالعه کردم، بر

اندیشه ی شیطنانی و منطق ضعیف شما خندیدم، حتم بدانید شما از طرف شیطان بزرگ و روباه پیر تقویت می شوید، اگر چه ممکن است خود ندانید.

جعل مذهب که کار اربابان شماسست، چه ربطی به تشیع که دارای ریشه ی الهی است دارد؟!!

بایته و بهائیه و مسلکهای که از صوفیه ناشی می شوند چه ارتباطی با تشیع دارند، اینها خواهر و برادر صد در صد تنی وهابیت هستند و وهابیت فرزند سقیفه، فقهاء نفت و روباه پیر است.

از تحقیر مسلمانان، شیعیان و ایرانیان که در نوشته ی شما به چشم می خورد، دانستم که شما هم کمی نفتی شده اید.

آقای خراشی!

ص: ۵۷

شما تنها نفتی نیستند، هیچ نترسید، شما تنها

نیستید، بعضی روشنفکرانها و متجدد مآب ها هم در غم امت اسلامی به جای آب، نفت میل می فرمایند.

سلام بر کسی که حق را با میزان «کتاب الله و عترتی» بشناسد، و سلام بر کسی که بر محمّد و آل او خاصّه سید شهیدان و آقای آزادگان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام صلوات و سلام بفرستد.

شعبان المعظم ۱۴۳۱ هـ.ق

کربلای معلی - شارع سدره

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ص: ۵۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

